

■ امنیت اقتصادی و توسعه؛ پیوندها و کنش‌های متقابل

دکتر فهیمه جامی

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ثباتی است که فعالیت‌های سالم سیاسی را امکان‌پذیر سازد. حال آنکه، شبیه این وضع در اقتصاد هم وجود دارد؛ و آن وقتی است که «سرمایه‌گذار» عیناً مشابه یک انسان، هویت یابد و همان قدر که انسان نیاز به امنیت دارد و باید حرکت‌هایی که در زندگی مرتکب می‌شود حفاظت شده باشد،

«امنیت اقتصادی» از مباحث پراهمیت و حساسی است که به ویژه پس از اجرای سیاست‌های نوین اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و در باره آن بحث و گفتگو شده‌است.

از نظرگاه عمومی، «امنیت» معمولاً تنها از جنبه سیاسی مطرح است و آن، برقراری

گزارش ویژه

برقراری «امنیت اقتصادی»، باید پرسید: آیا هر قانونی می‌تواند به امنیت اقتصادی تداوم بخشد و ادامه وجود آنرا تضمین کند؟

پاسخ به این سؤال منفی است. زیرا قانون نیز به نوبه خود باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند استمرار «امنیت اقتصادی» را تضمین کند. از جمله ویژگی‌های یادشده، هویت پایدار قانون است؛ یعنی اینکه، مفاد قانون مرتبط با امنیت اقتصادی، هر لحظه و هر روز عوض نشود و حالت پایدار داشته باشد. دیگر اینکه، اصول روابط اقتصادی در قوانین مصوبه باید مشخص و روشن باشد و بخشنامه‌هایی که پیرامون آن صادر می‌شود، تکلیف همه مرتبطین با آن را به طور قطعی روشن کند، در عین حال، جای تخلف از مفاد آن را برای کسی باقی نگذارد.

اکثر بخشنامه‌های بانک مرکزی علاوه بر آنکه خیلی سریع تغییر شکل و ماهیت می‌دهد، دارای گریزگاههای بسیاری است که به افراد سوءاستفاده‌کننده، امکان مانور می‌دهد و باعث می‌شود مفاد بخشنامه را به نفع خود تفسیر کنند. به این ترتیب، راه‌گریز از قانون باید بسته شود. و به عبارت دیگر، شمول قانون باید «عام» باشد به نحوی که حتی‌المقدور با تبصره‌های متعدد و مختلف در قانون استثنا وارد نشود و امکان‌گریز از آن به سادگی فراهم نباشد.

امنیت سیاسی، لازمه امنیت اقتصادی
قانون می‌تواند روی امنیت اقتصادی اثر

سرمایه‌گذاری‌های هم به اقدامهای حفاظت شده نیاز دارد و باید از تهاجم‌های گوناگون مصون باشد.

از اینرو، سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که قوانین وقواعد برای حراست از سرمایه‌های او وجود دارد و مسئولان اقتصادی کشور نیز با تمام امکانات، سعی در اجرای آن‌ها دارند. به این ترتیب، یک «سرمایه‌گذار» به عنوان دارنده یک هویت مستقل اقتصادی باید از روابط پیرامونش به روشنی آگاه باشد و مطمئن باشد آنچه به او وعده داده‌اند، مو به مو اجرا می‌شود و بازگشت‌ناپذیر است. بدیهی است منظور از ایجاد چنین وضعی، فراهم آوردن امکان انواع زد و بندها و یا احتکار و قاچاق کالا، در سایه برقراری امنیت اقتصادی مورد نظر مرتکبین چنین اعمال خلافی نیست. بلکه، منظور این است که اگر شخصی شرکتی تأسیس کرد، بداند که از کدام حقوق قانونی و از چه امتیازهایی برخوردار است و کدام کالاها را می‌تواند آزادانه وارد و یا صادر کند. از این دید، وجود «قانون» یکی از ضرورت‌های برقراری «امنیت اقتصادی» و یکی از پایه‌ها و ستون‌های اصلی آن است، زیرا، در روابط اقتصادی، تا «قانون» مشخص و روشنی وجود نداشته باشد، امنیت اقتصادی وجود خارجی نخواهد داشت.

قانون و هویت پایدار آن
با قبول ضرورت تدوین «قانون» برای

بگذارد، این تأثیر نیز با توجه به خوب و یا بد بودن محتوای قانون می‌تواند متغیر باشد. از سوی دیگر، «امنیت اقتصادی» مقوله‌ای جدا از «امنیت سیاسی» نیست و اصولاً امنیت اقتصادی یک فصل و یا برش از امنیت سیاسی محسوب می‌شود. به این ترتیب، در درجه اول باید امنیت سیاسی وجود داشته باشد تا در سایه آن، امنیت اقتصادی هم بتواند به وجود آید و ادامه حیات دهد.

مطالعه‌های انجام شده نشان می‌دهد هرچه امنیت سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، امنیت اقتصادی در درجه بالاتری قرار دارد. به این ترتیب، در جوامع مردم سالار، امنیت اقتصادی به مراتب بیش از جوامعی است که در آنها حکومت‌های دیکتاتوری وجود دارد و یا حکومت‌هایشان مرتب در حال تغییرند و ثبات ندارند. از این رو، «امنیت اقتصادی» به وضعی گفته می‌شود که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی درازمدت کنند و از سرمایه‌گذاری با اهداف آینده‌نگر، ترس و واهمه‌ای نداشته باشند. زیرا، تنها در این صورت سرمایه‌گذاری می‌تواند قوت اقتصادی لازم را کسب کند و به نفع جامعه باشد.

در شرایطی که ناامنی اقتصادی حاکم است، تمام فکر سرمایه‌گذار این است که هرچه زودتر و سریعتر سودی به دست آورد و به دنبال کار خودش برود. در چنین اوضاع و احوالی، سرمایه‌گذار می‌پندارد چون اعتمادی به آینده نیست اگر سود سرمایه‌اش را هرچه زودتر برداشت نکند، ممکن است

فرصت اینکار را از دست بدهد و وضعیت درهم بریزد. از اینرو، اگر تولیدکننده است، به سوی به اصطلاح «بنداز و در رو» می‌رود و اگر ساختمان می‌سازد، به فکر این نیست که در آن عده‌ای باید چهل سال زندگی کنند. بنابراین، به جای اندیشیدن به استحکام خانه، در فکر آن است که سود بیشتری را در مدت زمان هرچه کوتاهتر به دست آورد و این روند را برای کسب سود بیشتر بازهم ادامه دهد.

ثبات و امنیت اقتصادی سبب غلبه کردن منافع بلندمدت سرمایه‌گذاران بر منافع گذرا و کوتاه‌مدت آن می‌شود و نتایج مفید و شمربخش آن نیز مستقیماً به جامعه بازمی‌گردد. متقابلاً، بی‌ثباتی و عدم امنیت اقتصادی، گرایش به سوی منافع کوتاه‌مدت اقتصادی را شدت می‌بخشد و در این شرایط دیگر کسی به فکر آن نیست که کالایی را تولید و یا وارد کند که دوام بیشتری داشته باشد تا به جلب اعتماد مصرف‌کنندگان برای تولیدات و یا واردات آینده، بیانجامد. نتیجه این امر، از دست دادن مشتریان و بازگشت به رکودی است که از عدم اعتماد مصرف‌کنندگان به عملکرد آنان ناشی شده است.

کارگزاری به جای حفظ امنیت اقتصادی

یکی از بلاهای امنیت اقتصادی، بزرگ شدن بی‌رویه دولت و حجم کارها و فعالیت‌هایش است. دولت وقتی متورم و بزرگ می‌شود، از جایگاه اصلی‌اش که «حفظ

گزارش ویژه

که دولت بر جایگاه واقعی خود بنشیند، برقراری و حفظ امنیت اقتصادی را برعهده گیرد و کارگزاری اقتصادی را به ملت واگذارد.

□□□

امنیت اقتصادی» است بیرون می‌رود و به یک تاجر و کارگزار اقتصادی تبدیل می‌شود که همه فعالیت‌های اقتصادی را می‌خواهد خودش انجام دهد. این وضع، دولت را از وظیفه اصلی‌اش - که حفاظت از امنیت اقتصادی است - دور می‌کند و سبب تداخل آن با کارگزاری اقتصادی - که وظیفه‌اش نیست - می‌شود.

از اینرو، هرچه کارگزاری اقتصادی، به دلیل سوددهی‌اش، به فعالیت‌های دولتی فشار بیاورد، جهت دولت به سمت و سوی خودش بیشتر برمی‌گردد، و برهمن اساس، قوانین بیشتر به نفع دولت تصویب می‌شود تا بتواند نفع بیشتری ببرد و آن را در جهت سیاست‌های کارگزاریش مورد استفاده قرار دهد. این در حالی است که دولت از وظایفش هیچگونه تخطی نداشته باشد و کاملاً مردمی عمل کند، که در غیر این صورت، عملکردش به مراتب نامساعدتر خواهد شد.

شرایط گفته شده، در مواقعی که دولت زیر فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی است و منابع آنهم محدود می‌شود، شدت می‌گیرد و به دلیل تقویت نامعقول‌تر بخش کارگزاری دولت، در امنیت اقتصادی اختلال به وجود می‌آید و این امر به تشدید رکود اقتصادی می‌انجامد.

گفتنی است که در اینجا کارگزاری دولت به معنای عامل اقتصادی بودن آن است و نه واسطه بودن دولت. کمال مطلوب آن است